**مشاهیر علم و ادب: ت. اس. الیات. بزرگترین شاعر معاصر انگلیسی**

**طاهری، ابوالقاسم**

در تاریخ ادبیات انگلستان‏ تاکنون سه تحوّل مهمّ درباره شکل‏ شعر روی داده است.تحوّل بدون شک‏ مرهون طبع وقاد ت.اس.الیات‏ است.الیات با ساختن شعر موسوم‏ به The Wastelond یا ویرانه در جدیدی را بر وی ادبیات معاصر و شعر جدید انگلیسی گشود و با پرداختن‏ نمایشنامه‏های بعدی خود تحت عنوان‏ «جنایت در کلیسا»،«ضیافت کاکتل» و«جمع شدن مجدّد افراد خانواده» که هر سه نثر منظوم یا شعر بدون‏ قافیه است خود را بمقامی رسانید که‏ او را بیشک استاد مسلّم شعر جدید انگلیسی باید شناخت.

در قطعه شعر او تحت عنوان The Wastelond که شروشور و مظالم و فساد و جنگ و خونریزی را مدتها قبل از جنگ عالمگیر پیش‏بینی میکند و یا در قطعهء شعر دیگری بنام East Coker ،گوئی که میان گفته‏های الیات و عقاید صوفیانهء خود ما که در اشعار عرفانی عطار و مولوی و سنائی منعکس گشته است قرابت فراوان میتوان‏ یافت. East Coker قطعهء شعر نسبة مطّول او با این کلمات آغاز میگردد که:«در آغاز من پایان من است»و همین قطعه چنین ختم میگردد که در«پایان من آغاز من است.» East coker نام قصه ایست در سامرست که جدّ اعلای الیات موسوم به‏ آندرد الیات در 1627 در آنجا متولد گردید و از آنجا بسوی برّ جدید مهاجرت کرد. پدران وی همه در شهر بوستون مقیم بودند و همه ارباب فضل و اشخاص متدین بودند. پدربزرگ وی کسی بود که دانشگاه واشنگتن به همت وی تأسیس گردید و مادرش‏ شاعره بود.بنابراین ت.اس.الیات در خانواده‏ای متولد گردید که همه افراد آن فاضل‏ و صاحب ذوق بودند.وی دوران مقدماتی تحصیل را در دانشگاه هاروارد آمریکا گذرانید، سپس بلندن و پاریس آمد و چندی در دانشگاه اکسفورد به تکمیل رشتهء ادبیات‏ پرداخت و سپس سرزمینی را که پدرانش قریب به سه قرن قبل از دوران جوانی وی‏ ترک کفته بودند موطن خویش ساخت.همانطور که الیات بانگلستان ادبیات جدیدی‏ عطا کرد انگلستان نیز بزرگبرین احترامی راکه درخور چنین شاعر بزرگواری بود بجا آورد یعنی بوی عالیترین‏نشان و درجهء کشوری راکه نشان لیاقت باشد عطا کرد. در اینکه چه‏موقع ت.اس.الیات تصمیم گرفت از برّ جدید دل برکند و ببرّ قدیم نقل مکان کند مطالب فراوان نوشته‏اند.قدر مسلم این است که قبل‏از جنگ‏ عالمگیر اول بعداز دیدن اروپا هنگامیکه عزم سفر آمریکا کرد دل خود را در اروپا بجا گذاشت-برای او انتخاب مشکلی بود-آمریکا در یک کفهء ترازو و منفعت بود- اروپا در کفهء دیگر ضرر-اما او ضرر را انتخاب کرد.الیات از زوایای مختلف و جهات‏ گوناگون اروپا را دید.زمانی در بانک کار کرد،مدتی معلم بود و بالاخره مدیر مجله‏ای‏ ادبی و ناشر کتب و رسائل گردید.مجله‏ای که تحت‏نظر او چاپ میشد مجله‏ای بود موسوم‏ به The Criteion که بالاترین مایهء افتخار و مباهات وی بود.یکی از جنبه‏های نبوغ‏ ادبی ت.اس.الیات سبک جدیدی بود که در این دوران پدید آورد و رواج دارد.

مثل هر شاعری‏نابغه که بنفسه در تاریخ ادبی هر کشوری موجد انقلاب است اقداماتش‏ را بغلط تلقی کردند.اولین انعکاسی که قراءت اشعارش در محافل ادبی انگلیس کرد این بود که گفتند آنچه مینویسد شعر نیست.یا شعر جدید یعنی چه؟گروهی نوشته‏های‏ او را از زمرهء اباطیل و ترهاب دانستند و جمعی که الیات هرگز آنها را ندیده بود یا نمی‏شناخت او را عوام فریب خواندند و بی‏بندوبار دانستند.اما این غوغاها تدریجا خاموش گردید زیرا تدریجا نفوذ وی در ایجاد و تکامل ادبیات جدید انگلیس روشن‏ گردید.اسلوب وی و سبک وی در شعر جدید بقدری‏مطلوب افتاد و تا اندازه‏ای مایهء رغبت شد که آنرا سبک قرن بیستم نامیدند.

اما نه در سبک وی یکنواختی بود و نه در مطالب وی.در عین حال که رساله‏ای‏ تحت عنوان«فکر ایجاد یک جامعهء مسیحی»منتشر میکرد قطعات اشعار مطایبه‏ آمیزی نیز از طراز Praetical Cats یا گربه‏های زبروزرنگ برای کودکان میساخت.

با آنکه نفوذ قلم و سبک جدید سحرآمیز الیات او را در عداد بزرگترین شعرای‏ عصر حاضر در تمام جهان قرار داده است الیات هنوز مردی است بسیارمتواضع و آنان‏ که بزرگان واقعی باید باشند.در یکی از مطایبات خودش را اینطور معرفی میکند:

ابروهایش درهم‏کشیده،

و دهانش این‏سان منقبض،

و گفتگویش گرم است،

و منحصر به اگر و شاید،و امّا....

و در آخر ذکر میکند که چقدر ناگواراست آقای الیات را دیدن...

شاید باستثناء جمعی که بیهوده و ندیده با الیات مخالفند-دیگران دیدن او را ناگوار نشمرند و شعر او را هرقدر حاوی اگر و اما و شاید باشد بخوانند و در سینه‏ها محفوظ دارند.

ملک الشعرا-بهار

نعرهء ملت

هست صوتی بس مهیب و خوفناک‏ بانگ توپ و نعرهء فرماندهان‏ سخت‏تر از اوست صوت صاعقه‏ کاندر آید نیم‏شب از آسمان‏ هست ازان بسیار هول‏انگیزتر غرش طوفان ببحر بیکران‏ باشد از غوغالی طوفان سخت‏تر نعره‏های موحش آتش‏فشان‏ هست از اینها حمله هول‏انگیزتر نعرهء یک ملّت بی‏خانمان.